

درآمدی بر نظریهٔ عدالت رانلد دورکین

نویسنده

سیا محمد حسین میر محمدی



۱۳۹۴

سرشناسه	میر محمدی، سید محمدحسین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	درآمدی بر نظریه عدالت رانلد دورکین / نویسنده: سید محمدحسین میرمحمدی.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	بیست و چهار، ۱۵۳ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۴۹۴-۳
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۲۵] - ۱۴۹.
یادداشت	نمایه.
موضوع	دورکین، رانلد، ۱۹۳۱ - م. دیدگاه درباره عدالت
موضوع	دورکین، رانلد، ۱۹۳۱ - م. نقد و تفسیر
موضوع	عدالت
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ ۹۹۹/۲۲۰ K
رده‌بندی دیویی	۳۴۰/۱۱۴
نمارة کتبشناسی ملی	۳۸۶۴۸۲

درآمدی بر نظریه عدالت رانلد دورکین

نویسنده: سید محمدحسین میرمحمدی

چاپ نخست: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتبه

حق چاپ محفوظ است.

شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه خلیج چهارم کودک، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۷۷۴۵۶۹؛

فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

www.elmifanhanghi.ir info@elmifanhanghi.ir

www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۱۶-۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

فروشگاه سه: جمهوری، چهارراه شیخ هادی، نیش رازی، پلاک ۶۹۹

فروشگاه چهار: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی

(نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه پنج: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

مقدمه	سیزده
فصل اول: معرفی رانلد دورکین و زمینه های فکری نظریه عدالت وی	۱
دورکین و نظریه عدالت	۱
آزادی مثبت و منفی آیزایا برلین؛ پایه ای برای نظریه دورکین	۲
اصول عدالت جان رالز؛ پایه ای دیگر برای نظریه دورکین	۴
فصل دوم: آیا بحث درباره عدالت مهم است؟	۷
مقدمه دورکین بر نظریه عدالت	۷
فصل سوم: عدالت رفاه	۱۳
دو نظریه درباره عدالت	۱۳
آیا رفاه هدف است؟	۱۷
مفاهیم عدالت رفاه	۱۸
اولویت های سیاسی	۱۹
اولویت های غیرشخصی	۱۹
اولویت های شخصی	۱۹
نظریه های موفقیت	۲۱

۲۱	اولویت‌های سیاسی
۲۲	اولویت‌های غیرشخصی
۲۳	موفقیت شخصی
۲۶	موفقیت کلی
۲۸	عدالت لذت
۳۰	نظریه‌های عینی (ابزکتیو) رفاه
۳۰	پیشهاد نظریه ترکیبی برای عدالت رفاه
۳۱	پُراشتهایی زیاد
۳۲	میان‌ان
۳۵	فصل چهارم: عدالت تابع
۳۶	شانس و بیه
۴۳	دیگر نظریه‌های عدالت
۴۵	فصل پنجم: جایگاه آزادی
۴۵	آزادی و عدالت
۴۷	تراحم مشهور
۴۸	هزینه‌های انتخاباتی
۴۸	بخش خصوصی در نیازهای اولیه
۴۸	قانون کمترین دستمزد و بیشترین زمان کار
۴۹	دو برداشت از دو اندیشه
۵۱	آزادی: حق، نه اجازه
۵۲	عدالت؛ سایه‌ای بر آزادی
۵۳	معناهای عدالت
۵۵	دو راهبرد
۵۶	آیا می‌توان آزادی را به حراج گذاشت؟
۵۷	یک اشتباه بزرگ
۵۸	اصل استقلال
۵۹	بازگشت به دنیای واقعی، نظریه بهبودبخشی
۶۰	درجه‌های نابرابری

۶۱	منفعت کلی در عدالت
۶۲	توزیع عادلانه و قابل دفاع
۶۳	آزادی و بی عدالتی؛ در دنیای واقعی واقعی
۶۵	اصل فدا کردن
۶۶	نگاهی دوباره
۶۹	فصل ششم: عدالت سیاسی
۶۹	دموکراسی و عدالت
۷۰	مهم، مستقل و وابسته
۷۲	برابری در قدرت چیست؟
۷۲	دو به افقی مودی
۷۳	نفوذ در تأثیرگذاران
۷۴	آیا باید تأثیر برابر باشد؟
۷۵	ارزش های مشارکتی
۷۵	اهداف نمادین
۷۵	ارزش های مشارکتی
۷۶	ارزش های توزیعی
۷۶	تفکیک دو معنا
۷۹	فصل هفتم: عدالت و جامعه لیبرالی
۷۹	جامعه لیبرالی
۸۰	جامعه و دموکراسی
۸۲	جامعیت و پیوستگی
۸۳	علاقه های اشخاص و اجتماع
۸۳	نیازهای مادی
۸۴	نیازهای عقلانی
۸۵	اندیشه ترکیبی با جامعه
۸۶	زندگی اجتماعی
۸۸	جامعه لیبرال
۸۸	جمهوری خواهان آزاد مدنی
۸۹	اولویت اخلاقی

فصل هشتم: عدالت و اخلاق ۹۳

عدالت و زندگی خوب ۹۳

اخلاقیات فلسفی ۹۶

خواسته‌های ارادی و خواسته‌های نقادانه ۹۶

نگرانی‌ها و سردرگمی‌ها فرا روی خواسته‌های نقادانه ۹۷

متعالی بودن یا موضعی بودن؟ ۹۸

نظام اخلاقی و امور اخلاقی ۹۸

دیدگاه فزاینده یا ترکیبی (خواسته‌های نقادانه) ۹۹

نظم اخلاق و اجتماع ۱۰۰

مدل‌های ارزش نقادانه ۱۰۱

مدل نهادهای خود و دیگران ۱۰۱

مدل رقابتی ۱۰۱

متعالی یا موضعی بودن؟ ۱۰۲

محدودیت‌ها و عوامل ۱۰۳

عدالت در نقش یک عامل ۱۰۴

دیدگاه فزاینده یا ترکیبی در خواسته‌های نقادانه ۱۰۶

از اخلاق تا سیاست ۱۰۷

عدالت و منابع ۱۰۷

برابری ۱۰۸

سخن آخر ۱۰۹

فصل نهم: عدالت و توانمندی ۱۱۱

دو اعتراض ۱۱۱

فرصت و انتخاب ۱۱۳

عدالت و استعداد پیشرفت ۱۱۴

فصل دهم: عدالت و بیمه ۱۱۷

عدالت و هزینه بالای سلامت ۱۱۷

۱۲۳	فصل یازدهم: عدالت لیبرالی رانلد دورکین: آری یا نه؟
۱۲۳	دورکین و منتقدان غربی اش
۱۲۳	آزادی، برابری، غبطه و اصل انتزاع
۱۲۵	تنازع میان اخلاق، عدالت و امر قدسی
۱۲۷	دورکین، آزادی و فرهنگ
۱۲۹	تأملاتی در نظریه دورکین
۱۲۹	لیبرالیسم: ادعایی خودمتناقض
۱۳۶	ابهام در تساهل لیبرالی در نظریه جامعه لیبرال
	بهام در رابطه میان عدالت لیبرالی و اخلاق؛ آیا عدالت لیبرالی در ظرف اخلاق
۱۳۹	تغذیر می‌شود یا برعکس؟
۱۴۲	بی‌توجهی به سرنوشت جامعه پس از آزادی در انتخاب
۱۴۵	کتاب‌نامه
۱۴۷	آثار دورکین
۱۴۸	منابع درباره دورکین
۱۵۱	فهرست اعلام

مقدمه

این دو جمله را در نظر بگیرید: الف) «پیغمبر راستگوی چنین گفت» و ب) «چنین گفت پیغمبر راستگوی». کدام یک از این دو جمله جذاب‌تر است؟ اگر پاسخ شما خواننده گرامی جمله ب است، من نیز با شما هم‌رأی هستم. اما راز این جذابیت چیست؟ اگر این پرسش را از زبان‌شناسان^۱ یا دستور ساختگرای زبان، موسوم به دستور گشتاری^۲، بپرسیم، در پاسخ خواهند گفت که راز جذابیت جمله ب شکسته بودن قالب و ساختار جمله است، یعنی جمله ب به جای آنکه با گروهی اسمی (NP)^۳ آغاز شود، با فعل آغاز شده است.

شکستن قالب‌های مرسوم در پژوهش‌های علمی دیدگاهی است که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. اندیشمندانی که تفکر در قالب‌های گذشته را بنا به هر دلیلی مخدوش می‌دانستند، همواره می‌کوشیدند انقلاب (پارادایمی) جدیدی در حوزه پژوهش و تفکر به وجود آورند؛ انقلاب‌هایی که حتی سبب پیش‌پارادایم‌های جدید علمی شده است. برای نمونه، در پارادایم فلسفی ظهور پارادایم آگاهی بعد از قرون وسطا در حقیقت شکستن قالب مرسوم بود که به پارادایم وجودی ارسطویی مربوط بود؛ و ظهور پارادایم زبانی پس از پارادایم آگاهی نیز در واقع تلاشی بود برای ایجاد ساختاری نو در تفکر فلسفی. با وجود این،

1. transformational grammar

2. NP = Noun Phrase

موضوع‌های بسیار کهنی، مانند عدالت، وجود دارند که طی اعصار گذشته فقط در یک قالب خاص ارائه شده‌اند. آیا می‌توان چنین قالب‌هایی را نیز شکست؟ عدالت موضوع کهنی است که قدمتش دست کم به چهار قرن پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. قالب مرسوم‌ی که در طرح عدالت وجود داشته است، همواره تعریف‌های لفظی را مقدم بر دیگر مباحث مربوط به عدالت می‌داند. این شیوه راها در محاوره‌های سقراط به کار گرفته شده است. پس از وی نیز بسیاری از فیلسوفان از شیوه سقراطی پیروی می‌کنند و مباحث نظری و لفظی را بر دیگر موضوع‌ها مرتبط با عدالت مقدم می‌کنند.

آیا می‌توان این قالب را شکست؟ آیا می‌توان موضوع عدالت را بدون جست‌وجو تعریف‌های واژگانی آن پی گرفت؟ یعنی به جای پرسش (های) سقراطی نظیر «بودن عدالت به چه معناست؟»^۱ پرسید «چگونه عدالت باید اجرا شود». پاسخ فیلسوف عصر حاضر به این پرسش‌ها مثبت است.

قالب‌های مرسوم طرح موضوع کهن عدالت به دست جان رالز شکسته

۱. شیوه متداول سقراط در محاورات خود، پرسش از «چیزی خود شیء» بود. یکی از نمونه‌های آشکار چنین شیوه‌ای را می‌توان در محاوره معروف سقراط در جمهوری افلاطون یافت. این محاوره که به موضوع عدالت می‌پردازد، با بررسی مفهوم عدالت آغاز و به تدریج پیچیده می‌شود و سرانجام بی‌نتیجه پایان می‌یابد: سقراط داستان «خواب گذشته خود را، که در خانه پسر کفالوس (Cephalus) اتفاق افتاده است، برای شخص ناشناسی تعریف می‌کند. کفالوس که بسیار پیر شده است از زندگی خویش راضی است، زیرا عدالت که دوستش وی را از ارتکاب ظلم باز داشته است. این سخن کفالوس، سقراط را به یاد گفته سیمونیدس (Simonides) در باب عدالت می‌اندازد که «عدالت آن است که انسان راست بگوید و به هر کسی دارد ادا کند؛ به دوستان نیکی و به دشمنان بدی کند» (331e). سقراط این تعریف را نمی‌پذیرد و معتقد است که زیان رساندن به دشمنان، آنان را ظالم‌تر می‌کند. در این هنگام، شخص دیگری به نام ترااسوماخوس (Thrasymachus) که سوفیستی تمام‌عیار است، وارد گفت‌وگو می‌شود و عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند: «عدالت آن ابزاری است که برای قدرت حاکمان سودمند است» (338c). به همین جهت، ظلم را بزرگ‌ترین نیکبختی برای حاکمان قلمداد می‌کند. سقراط در مخالفت با ترااسوماخوس، نظریه خویش را، یعنی «نظریه حاکمان وفادار به کشور»، به میان می‌آورد و ظالم و نادان را با یکدیگر همسان، و تنها زندگی انسان عادل را فرین با نیکبختی می‌داند. Plato, The Republic of Plato, 327a-354c.

شد. پس از جان رالز، شاید نتوان نوشته یا مقاله‌ای در موضوع عدالت یا فلسفه سیاسی یافت که در آن از وی و نظریه‌هایش خبری نباشد. به همین دلیل، وی را احیاکننده فلسفه سیاسی در قرن بیستم دانسته‌اند. این نظر به قدری اعتبار یافته است که نوزیک در اهمیت تفکر رالز می‌گوید: «نظریه عدالت رالز کتابی قوی، عمیق، هوشمندانه، وسیع و نظام‌مند در اندیشه سیاسی است که از زمان جان استوارت میل تاکنون نظیر آن مشاهده نشده است. ... فیلسوفان سیاسی معاصر یا باید در چارچوب نظریه رالز کار کنند یا آنکه سر نپرداختن به او را تبیین کنند».^۱ آبا جان رالز و نظریه وی درباره عدالت و فلسفه سیاسی پایان راه است و آیا هر آنچه رالز درباره آزادی، عدالت و لیبرالیسم گفته است، تمام آن چیزی است که باید گفته شود؟ یا در مقابل، رالز را فقط باید یکی از افرادی دانست که بخت با او یار شده و بدست چهره مردمی و آکادمیک بدل شده است؟

شاپیرو^۲، در نقد اندیشه رالز، معتقد است که وی فیلسوفی است که از امتیاز فرا رفتن از مرزهای آکادمیک و بدل شدن به چهره‌ای مشهور و مردمی بهره‌مند بوده است و مقاله‌های او علاوه بر سجله‌های تخصصی و آکادمیک فلسفی، بارها در روزنامه‌های پرتیراژ به چاپ رسیده‌اند. اما نه به این دلیل که رالز مبدع افکار و اندیشه‌هایی کاملاً نو باشد یا آنکه اندیشه وی هم‌اکنون با استدلال‌های تازه و قانع‌کننده‌ای باشد.^۳

گروه سوم از فیلسوفان، نه مانند گروه اول، برآنند که اندیشه جان رالز بدیع‌ترین و بهترین اندیشه در موضوع عدالت و لیبرالیسم است. گروه دوم، رالز را فقط لیبرالی عادی می‌پندارند که نظریه وی هیچ نه‌ویدی نداشته باشد، بلکه نظریه او را به دلیل عطف نظر به موضوع مهمی چون عدالت می‌پندارند و بخش‌هایی از آن را نیز بدیع می‌شمارند، اما معتقد نیستند که رالز تمامی آنچه را باید، گفته است. این گروه معتقدند که مشکل اساسی نظریه رالز آن است که نتوانسته است از چارچوب‌های فکری لیبرالیسم غربی عبور کند. در نتیجه، معلوم

1. Nozick, *Anarchy, State and Utopia*, p. 183.

2. Ian Shapiro

۳. واعظی، جان رالز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، ص ۱۵.

است که چه نتیجه‌هایی به دست خواهد آمد.^۱ به همین دلیل، نظریه رالز، براساس دیدگاه اخیر، در آغاز راه است و باید فرآیند تکامل را طی کند، زیرا اگر موضوع عدالت به درستی تبیین نشود، ضربه‌های سهمگینی بر پیکره اجتماع وارد خواهد کرد. والزر درباره موضوع عدالت می‌نویسد: «برابری در معنای تحت‌اللفظی‌اش آرمانی است که جان می‌دهد برای خیانت شدن به آن؛ مردان و زنان پایبند به این آرمان، همین که جنبشی در دفاع از برابری سازمان می‌دهند و قدرت، منصب و ثروت و اقتدار در میان خود توزیع می‌کنند، بدان آرمان خیانت می‌کنند یا به نظر می‌رسد چنین می‌کنند».^۲

دورکین بر افرادی است که دیدگاه سوم را بر می‌گزینند. شهرت وی، که از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌ها در فلسفه حقوق است، با کتاب حقوق را جدی بگیریم^۳ به او می‌رسد. دیداری نظریه‌پردازی در باب عدالت را پس از نگارش کتاب مذکور آغاز کرد و آن را «سرمه پایه آزادی به مثابه یک حق»، «تقدم عدالت بر آزادی» و «عدالت به مثابه سیل» برتر استوار کرد. از این‌رو، نظریه وی در بخش‌های مذکور بدیع است و عطف پارادایم عدالت دانسته می‌شود.

نظریه‌ای که وی درباره عدالت مطرح می‌کند از قوت‌های نظریه جان رالز، نظیر تفکیک میان دو دنیای آرمانی واقعی و دنیای واقعی واقعی، بهره‌مند است. دلیل اهمیت نظریه دورکین آن است که می‌تواند غول‌های بزرگ عدالت و فلسفه سیاسی — یعنی جان رالز، نوزیک و رابینز — استاده و با تحلیلی حقوق‌محور نظریه خود را درباره عدالت و جامعه لیبرال تنظیم کرده است؛ تحلیلی که پیش از او با چنین گستره‌ای وجود نداشت.

اساساً نظریه‌های پراگماتیستی، که نظریه دورکین در شمار آن‌هاست، با اینکه منکر اهمیت حوزه نظر و تحلیل فلسفی نیستند، کاربردی بودن نظریه را مهم‌ترین محور بحث‌های خویش می‌دانند. دیدگاه دورکین در مقام فیلسوف پراگماتیستی

1. Dworkin, "The Original Position", *Reading Rawls: A Critical Studies in Rawls' A Theory of Justice*, p. 52.

۲. والزر، حوزه‌های عدالت در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری، ص ۱.

3. *Taking Right Seriously*

عدالت نیز از این قاعده مستثنا نیست، عبارت وی در مقدمه کتاب فضیلت برتر عبارت‌هایی را به ذهن تداعی می‌کند که ویلیام جیمز، اولین فیلسوف پراگماتیست، در نخستین سخنرانی‌اش دربارهٔ چیستی پراگماتیسم گفته است:

ای کاش دو صفحه نخست رساله‌ای را که دانشجویی یکی دو سال پیش به من سپرد حفظ کرده بودم. این دو صفحه نظر مرا چنان با وضوح بیان می‌کردند که از اینکه اکنون نمی‌توانم آن‌ها را برایتان بخوانم، متأسفم. نظر این مرد جوان که دانش آموخته یکی از دانشگاه‌های غرب بود، در آغاز سختش چنین بود که همیشه مسلم فرض می‌شد که هر وقت به یک کلاس فلسفه وارد می‌شوید، ناچارید با جهانی رابطه برقرار کنید که کاملاً متفاوت از جهانی است که پشت سرینان در خرجه ترک کرده‌اید. می‌گفت که فرض می‌شد این دو آن قدر به هم بی‌شباهت‌اند که به احتمالاً نمی‌توانید ذهنتان را در آن واحد به هر دوی آن‌ها معطوف دارید. بهان در به‌های شخصی واقعی که کوچک به آن تعلق دارد بیش از حد تصور متشتر، آفته، گل‌آلود، دردناک و پر از سردرگمی است، اما جهانی که استاد فلسفه را به آن می‌برد، ساده، تمیز و والاگهر است. تضادهای زندگی واقعی در آن وجود ندارد، معماری آن کلاسیک است، اصول عقلی طرح‌های کلی آن را ترسیم می‌کند و ضرورت‌های منطقی اجزایش را به هم می‌چسباند، پاک و والا‌یی بارزترین جلوه‌ها، آن‌اند و نوعی معبد مرمرین است که بر تارک کوهی می‌درخشد.^۱

بنابراین، می‌توان جمله‌هایی را که ریچارد رورتی، دیگر فیلسوف پراگماتیست، در زمینه توضیح «قرارداد اجتماعی رالز» مطرح می‌کند و معتقد است که بیشتر به فضای پراگماتیسم آمریکایی تعلق دارد تا به فلسفه استعلایی کانت، عیناً دربارهٔ نظریهٔ عدالت دورکین نیز تکرار کرد. گویی دورکین نیز پایه‌های نظریهٔ خود را در پراگماتیسم جان دیویی بنا نهاده است؛ که به عقیدهٔ رورتی، نقطهٔ آغاز پژوهش را روایت تاریخی نمی‌دانست.^۲ این اندیشهٔ دیویی و همچنین از بین بردن ثنویت

۱. جیمز، پراگماتیسم، صص ۲۶-۲۷.

۲. رورتی، فلسفه و امید اجتماعی، ص ۱۷۲.

3. Rorty, *Philosophy and Social Hope*, pp. 230-232.

همان رشته‌ای است که دورکین نیز آن را ادامه داده است.

دورکین برای تبیین نظریه عدالت لیبرالی ابتدا دو معنا برای عدالت معرفی می‌کند: یکی عدالت رفاه و دیگری عدالت منابع. عدالت رفاه به این معناست که افراد، در نهایت، باید در رفاه حاصل از منابع با هم برابر باشند، حتی به بهای توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها. در مقابل، عدالت منابع به این معناست که صرف‌نظر از تفاوت در رفاه حاصل از منابع، باید تمامی منابع به طور مساوی میان افراد جامعه تقسیم شود.

دورکین، در ادامه، پس از آنکه عدالت منابع را تفسیری پذیرفتنی از عدالت می‌داند، به توزیع عادلانه منابع و حق استفاده از آن‌ها تمایز می‌نهد. به همین دلیل، اینگاه را در نظریه خویش تبیین می‌کند.

پس از آن، او بر این جنبه‌های مثبت نظریه عدالت رفاه، عدالت منابع و حق آزادی، عدالت لیبرالی ظهور می‌کند. عدالت لیبرالی در ساده‌ترین تقریر عبارت است از «توزیع عادلانه منابع، به گونه‌ای که اولاً منابع در اختیار افراد قرار گیرد، ثانیاً حق استفاده از آن‌ها به افراد داده شود، ثالثاً ناهنجاری‌ها که ممکن است محدودیت‌ها کاهش یابد^۱ و نهایتاً به معلولان کمک شود که با افراد سالم از سطح یکسانی از رفاه بهره‌مند شوند».

دورکین در پاسخ به این پرسش که «ندام ساختار حکومتی می‌تواند بستری مناسب برای پیگیری عدالت لیبرالی فراهم سازد» دعوای می‌کند که دموکراسی بهترین شکل حکومت برای پرداختن به موضوع عدالت است. به همین دلیل، وی به معرفی تفسیرهای مختلف دموکراسی می‌پردازد و در نهایت، به ترسیم جامعه‌ای می‌پردازد که عدالت لیبرالی در آن برقرار است و همان به طور برابر از قدرت سیاسی بهره‌مندند. او چنین جامعه‌ای را «جامعه لیبرالی» می‌نامد.

بدین ترتیب، رانلد دورکین، پرآوازه‌ترین فیلسوف سیاسی عصر، تفسیر نهایی خویش از عدالت به منزله فضیلت برتر را پیشنهاد می‌دهد. در این تفسیر، عدالت،

۱. براساس نظریه دورکین، محدودیت‌ها هرگز نباید آزادی‌های پایه را، نظیر آزادی در انتخاب کردن و آزادی بیان، از بین ببرند. همچنین، محدودیت‌ها فقط برای محافظت از مالکیت انسان‌هاست و در همین خلاصه می‌شوند.

آزادی و دموکراسی در تعامل دائم با یکدیگرند؛ تعاملی که هرگز نباید به دست دولتمردان گسسته شود. در نظریه دورکین، که نام آن را «عدالت لیبرالی» می‌نهد، اولویت نخست جامعه توزیع مساوی منابع و فرصت‌ها میان تمامی افراد است. سپس به آنان اجازه داده می‌شود که از منابعی که به دست آورده‌اند آزادانه استفاده کنند. به عقیده وی، یگانه ساختار حکومتی‌ای که می‌تواند هم توزیع مساوی منابع، فرصت‌ها و هم آزادی را محقق سازد، دموکراسی است، زیرا در ساختار دموکراتیک تمامی افراد جامعه در توزیع قدرت یا فرصت حضور دارند و رأی اکثریت مبنای عمل خواهد بود. در نظریه عدالت دورکین همواره عدالت بر آزادی مسند است. به همین دلیل، می‌توان آن را با نظریه عدالت جان رالز متفاوت دانست. زیرا از این گاه رالز، آزادی بر تمامی اولویت‌ها مقدم است و نباید تحت الشعاع قرار گیرد.

ساختار این کتاب براساس سیر بحث دورکین به شکل زیر تنظیم شده است: در بخش نخست، ابتدا به معرفی «نظریه عدالت لیبرالی» پادشاه اندیشه دورکین پرداخته‌ایم؛ پایه‌هایی که یا دورکین آن‌ها را مبتنی بر عدالت موقعیت فرضی رالز^۱، یا در بخش‌هایی از نظریه خویش آن‌ها را نقد می‌کند، مانند اندیشه آیزایا برلین^۲. فصل دوم به مقدمه‌ای اختصاص دارد که دورکین در باب عدالت پژوهی مطرح کرده است. در فصل‌های سوم و چهارم چیرستی عدالت رالز و عدالت منابع را شرح داده‌ایم. در فصل پنجم جایگاه آزادی در نظریه عدالت دورکین را تبیین کرده‌ایم. پس از آن، در فصل ششم به معرفی دموکراسی، یگانه محقق عدالت لیبرالی از دیدگاه دورکین، و تفسیرهای مختلف از آن پرداخته‌ایم. در فصل هفتم جامعه

۱. موقعیت فرضی «وضعیت اصیل» یکی از ابتکارهای جان رالز است که به نحوی مورد توجه دورکین قرار گرفته است. وضعیت اصیل، که توضیح آن در فصل چهارم آمده است، وضعیتی است که افراد در پس پرده غفلت از منافع خویش، اصول عدالت را ترسیم می‌کنند.

۲. اساساً نظریه برلین بر این استوار است که چون ارزش‌ها را انسان‌ها می‌سازند، همگی در یک رتبه قرار دارند و نمی‌توان ملاک یگانه‌ای برای تقدم ارزشی بر ارزش دیگر به دست داد. به همین دلیل، در شرایط تراحم دو دلیل با یکدیگر، نمی‌توان پیشاپیش حکم کرد که کدام یک بر دیگری مقدم است.

لیبرالی را معرفی کرده‌ایم. جامعه‌ای که با ساختاری از دموکراسی اداره می‌شود که در آن همگان از منابع و حق استفاده از آن‌ها به طور برابر بهره‌مندند. به علاوه، افراد جامعه در بهره‌مندی از قدرت سیاسی با یکدیگر برابرند. در فصل‌های هشتم، نهم و دهم، ویژگی‌های زندگی خوب در یک جامعه لیبرالی را به تصویر کشیده‌ایم. در نهایت، در فصل یازدهم، به تأملاتی در نظریه عدالت لیبرالی پرداخته‌ایم.

در خاتمه این مقدمه، امیدوارم اشاره به چند نکته ضروری بر اتقان کار بفرمایید. نکته اول به نحوه مطالعه آثار دورکین در باب عدالت مربوط است. پیشنهاد می‌کنم برای مطالعه این کتاب مطابق قاعده ساده‌ای عمل کنید که خود پیش از آنکه آن را در پیش‌گفتار کتاب زبان اخلاق هیر^۱ بیایم، همواره بدان عمل می‌کردم: هر فقره‌ای را که دشوار می‌پایند، حذف کنید، به خواندن ادامه دهید و سپس به آن بازگردید. با وجود این، تمرکز من را دشوار یافتید، دست کم بر دو فصل اول و یازدهم بیشتر تمرکز کنید. زیرا در این دو بخش جنبه‌های بدیع نظریه عدالت دورکین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

نکته دوم آن است که در فصل‌های سوم تا دهم، صرف‌نظر از همسویی یا ناهمسویی رأی نویسنده با نظریه دورکین سعی شده است گزاره‌ها از زبان وی نقل شود.

سومین نکته آن است که در پایان هر فصل، صلاحاتم از کتاب فضیلت برتر ذکر شده است که می‌تواند مبنای مطالعه بیشتر قرار گیرد به علاوه، با اینکه مبنای این کتاب اصلاً ترجمه نبوده، سعی شده است از عبارت‌های وی نیز استفاده شود، بنابراین استدلال‌های ارائه شده تماماً با الهام از عبارت‌های او است.

نکته چهارم به دشواری انتخاب معادل‌های فارسی اشاره دارد. این کتاب هنگامی نوشته شده که هیچ مقاله یا کتابی به زبان فارسی یافت نشده است که به آرای دورکین در موضوع عدالت پرداخته باشد. به علاوه، پرسش‌ها و اختلاف دیدگاه‌ها درباره واژگان فارسی نظیر «برابری» و «عدالت» همگی بر دشواری مذکور می‌افزایند.